

ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش تعاون؛

کلید حل معضل اشتغال

امین فغوری



درآمد در جوامع خود هستند.

در همین زمینه و در سالهای اخیر، هر چند تجربیات ارزنده بسیاری در جهان از سوی کشورهای مختلف کسب شده که استفاده از آنها می‌تواند به عنوان راهگشایی برای حل مشکلات پیش روی صنایع مانیز قرار بگیرد، ولی در عین حال انجام پژوهش‌ها و تحقیقات کارشناسی از حال و روز صنایع خرد، کوچک و بزرگ و وضع قوانین حمایتی از آنها و... از جمله ساز و کارهایی است که امروزه مورد توجه بسیاری از کشورهای توسعه یافته نیز می‌باشد.

برای تبیین اهمیت این موضوع، ذکر همین نکته کافی است که قریب به ۹۹ درصد از بیکره بنگاه‌های اقتصادی ایران، تنیده شده است از واحدهای کوچک و متوسط؛ کشوری که براساس افق سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌اش، قرار است جایگاه اول اقتصادی و توسعه را در منطقه به دست آورد. بر همین اساس است که می‌توان گفت تمامی برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و صنعتی برای رسیدن به توسعه پایدار، افزایش اشتغالزایی، توسعه صادرات غیرنفتی و در نهایت، رهایی از اقتصاد نفتی بدون شک باید حول محور حمایت، پشتیبانی و گسترش صنایع کوچک و متوسط باشد.

بنگاه‌های اقتصادی پس از ثبت و شروع فعالیت، هویتی مستقل را تشکیل می‌دهند و همانند موجودات زنده، حیات خود را آغاز می‌کنند؛ حیاتی شامل مراحل رشد، بلوغ، کمال یا افول؛ افولی که پایانی غم‌انگیز دارد و نشانی از پایان حیات. هر بنگاه اقتصادی بدون شک می‌تواند همانند یک سیستم باز، با تبادل اطلاعات با دنیای پیرامون خود به تاثیرگذاری و تاثیرپذیری پرداخته و از زوال خود جلوگیری کند و گام در مسیر توسعه نهد. به عبارت دیگر از قاعده‌ای پیروی کند متاثر از علم ترمودینامیک با عنوان «کاهش انتروپی» که در این صورت پس از رهایی از قید و بند بازارهای داخلی و فتح آن، افقی را پیش روی خود ترسیم میکند با گستره فتح بازارهای فرامرزی و فراملی.

کارکرد و اهمیت صنایع کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی جوامع، امروزه از اهمیت بسیاری برخوردار است. کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با برنامه‌ریزی‌های مدون و سیاستگذاری‌های مناسب در صدد رفع موانع و معضلات، بهبود فضای کسب و کار مناسب و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای بهره‌گیری روزافزون از این گونه صنایع در جهت نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی، حل معضل همیشگی بیکاری، افزایش بهره‌وری، تحقق صادرات صنعتی و در نهایت توزیع عادلانه

تا قبل از تبیین و ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط مقام معظم رهبری (ره)، پیکره اقتصاد ایران بدون شک با شرکتهای عریض و طویل دولتی یا شبه دولتی ترسیم می شد که بیش از ۸۰ درصد اقتصاد کشور را در اختیار داشتند. این موضوع، خصوصاً در مورد فعالیتهای مرتبط با صنایع بالا و پایین دستی استخراج، فسروری و صدور نفت خام، محصولات پتروشیمی، گاز طبیعی و... صدق می کند. این در حالی است که بخش اعظم اقتصاد ایران متعلق به طبقه خرد، کوچک و متوسط می باشد.

بر اساس اعلام مرکز آمار ایران تعداد بنگاه های صنعتی به استثنای واحدهای بازرگانی و خدماتی که رسماً به ثبت رسیده اند در حدود چهار صد هزار واحد می باشند که ۸/۹۵ درصد آن مربوط به صنایع خرد (با نیروی کار بین یک تا ۹ نفر)، ۳/۶ درصد آن مربوط به صنایع کوچک (با نیروی کار میان ۱۰ تا ۴۹ نفر)، ۰/۳ درصد مربوط به صنایع متوسط (با نیروی کار بین ۵۰ تا ۹۹ نفر) و ۰/۳ درصد دیگر نیز با نیروی کار بیش از یکصد نفر فعال هستند.

مطالعات انجام شده نشان می دهد که حدود ۱/۳ میلیون نفر از کل ۶/۱۵ میلیون نفر نیروی کار در بخش صنایع کوچک و متوسط مشغول به کار هستند. سایر نیروهای کار شاغل عمدتاً در فعالیتهای اقتصادی عمده فروشی و خرده فروشی و تعداد کمتری نیز در بخش خدمات شاغل می باشند. هر چند فعالیتهای بازرگانی و خدماتی برای کارکرد موفقیت آمیز اقتصاد حائز اهمیت هستند، اما بخش تولیدات صنعتی و صنایع کوچک و متوسط نیز با در نظر گرفتن ارزش افزوده محصولات صنعتی و صادرات، پراهمیت هستند. به طوری که بخش صنایع کوچک و متوسط، محور بسیار اساسی در رشد اقتصادی ایران بوده که در بی آن توانایی بالقوه زیادی نیز برای اشتغالزایی به وجود آورده است.

بررسی بهترین عملکردها در انواع نظام های اقتصادی توسعه یافته، در حال توسعه و در حال گذار، نشان از آن دارد که برای رسیدن به یک بخش صنعتی کوچک و متوسط پایدار و شکوفا، ایجاد دو عنصر اصلی محیط کسب و کار، گریز ناپذیر است. این موارد عبارتند از

وجود بخش صنایع کوچک و متوسط رقابتی، امکان تسریع در اشتغالزایی و ایجاد و باعت معکوس کردن روند فزاینده بیکاری را در کشور می شود.

ایجاد ساختار حقوقی مناسب که در حیطه وظایف دولت است و فراهم آوردن ساختار حمایتی مناسب و نهادینه شده شامل خدمات مشاوره کسب و کار، تامین اطلاعات، آموزش، خدمات مالی و... که با تامین این دو عنصر شاهد رشد کسب و کار، افزایش صادرات، رونق بیش از پیش صادرات غیر نفتی و در نهایت دستیابی به مقام اول اقتصادی در افق ترسیم شده سند چشم انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی ایران خواهیم بود.

بدون تردید اشتغالزایی و فراهم آوردن فرصتهای شغلی برای خیل افراد فاقد شغل، از دغدغه های اصلی دولتمردان جمهوری اسلامی ایران، فارغ از هر گونه گرایشهای سیاسی است. بر اساس آمار ثبت شده در مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۷۹، به صورت رسمی بیش از ۳ میلیون نفر به عنوان بیکار ثبت شده اند که این رقم، هر ساله در حال افزایش است. بطور متوسط هر ساله حدود ۸۰۰ هزار نفر جویای کار وارد بازار کار می شوند و این در حالی است که فقط برای ۵۰۰ هزار نفر آنها توان ایجاد فرصت شغلی وجود دارد. در نتیجه، هر ساله شاهد افزایش آمار ۳۰۰ هزار نفری جمعیت بیکار کشور خواهیم بود. این در حالی است که در بیشتر کشورهای در حال توسعه که با سازمان صنعتی ملل متحد (UNIDO) همکاری می کنند، ثابت شده است که بخش صنایع کوچک

و متوسط از توانایی بسیار خوبی برای حل معضل اشتغالزایی برخوردار است و نه تنها توانایی جذب نیروی کار ناشی از رشد طبیعی را دارد، بلکه نیروهای کار مازاد شرکتهای دولتی ناشی از تعدیل اقتصادی یا خصوصی سازی را نیز می تواند جذب کند؛ موضوعی که با توجه به ابلاغ سیاستهای کلی صدر و ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و صدور فرمان واگذاری ۸۰ درصد از بنگاه های بزرگ دولتی به بخش خصوصی توسط مقام معظم رهبری (ره)، بسیار حائز اهمیت و درخور توجه است. اهمیت این موضوع هنگامی دوچندان می شود که نتیجه تحقیقات و پژوهش های انجام شده به خوبی نشان می دهد که بخش صنایع کوچک و متوسط در کشورهای توسعه یافته نیز از اهمیت اساسی برخوردارند و نقش موتور محرک اصلی برای ایجاد اشتغال را بر عهده دارند.

وجود بخش صنایع کوچک و متوسط رقابتی، امکان تسریع در اشتغالزایی و ایجاد و باعت معکوس کردن روند فزاینده بیکاری را در کشور می شود که این خود، ارتباط مستقیمی با افزایش تولید، مدیریت کیفیت جامع و مسائلی از این قبیل را نیز دارد. رقابت پذیری، بهره وری نیروی کار را به دنبال دارد و در نتیجه، هزینه های تولید رو به کاهش می نهد که این موضوع نیز عامل بسیاری مهمی برای افزایش موفقیت در بازارهای صادراتی است و تمزینی برای قدم نهادن در مسیر پربینج و خم جاده ای به نام «تحقق و گسترش صادرات غیر نفتی».

نفتی بودن بیش از ۸۰ درصد صادرات ایران نشان از بستگی شدید اقتصاد کشورمان به این طلای سیاه است. هر چند صادرات غیر نفتی ما در حال افزایش بوده و روند رو به رشدی را دنبال می کند، ولی شتاب بسیار کند آن بسیار آزار دهنده است. این در حالی است که از یک طرف دولت به صراحت افزایش صادرات غیر نفتی و تنوع گرایی صادرات را به عنوان یک مسئله مهم برای کاهش وابستگی

به صادرات نفت و گاز و تقویت اقتصاد ملی مدنظر قرار داده و از طرف دیگر، برای تبدیل ایران به یک عضو فعال در روند جهانی شدن به رهبری سازمان تجارت جهانی و ورود به دهکده WTO شدیداً نیازمند تغییر جهت صادرات از قطب محصولات نفتی به قطب محصولات غیرنفتی است. در این میان توجه جدی و اقدامات حمایتی و زیربنایی دولت برای ایجاد یک فضای مناسب برای صنایع کوچک و متوسط، گامی است اساسی برای توسعه محیط توانمند و پرجاذبه برای ارتقای رقابت پذیری که خود از پیش زمینه‌های لازم برای اشتغالزایی و توسعه صادرات غیرنفتی است؛ محیطی با جاذبه حمایت‌های مالی و مالیاتی، بهبود قوانین کار، قوانین زیست محیطی و مجموعه‌ای از مسائل حقوقی برای ایجاد بنگاه‌های نوپا و جدید که تمرینی را برای نقش آفرینی در عرصه اقتصاد بین‌الملل را آغاز کنند.

وضعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی در ایران

بر اساس اعلام مرکز آمار ایران، ۴/۹۸ درصد از کل کسب و کارها شامل بنگاه‌های فعال در بخش صنعت، معدن و خدمات در ایران از نوع بنگاه‌های خرد با نیروی کار بین یک تا ۹ نفر هستند و بنگاه‌های کوچک با نیروی کار بین ۱۰ تا ۴۹ نفر، تنها رقم ۱/۴ درصد را به خود اختصاص می‌دهد که نشان از ارتباط غیرمنطقی و عدم تجانس میان تعداد بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط را نشان می‌دهد، چراکه فقدان صنایع متوسط که با صنایع بزرگ، مجموعاً ۰/۲ درصد از کل کسب و کارها را در ایران تشکیل می‌دهند، اثرات منفی بسیاری را بر صادرات ایران داشته است. ذکر این نکته نیز ضروری است که از دیدگاه بین‌المللی، معمولاً بنگاه‌های متوسط با نیروی کار ۵۰ تا ۲۵۰ نفر سهم نسبتاً بزرگی را در صادرات کشورها دارند، زیرا آنها از کارشناسان فنی،

مهارت‌های تولید، بازاریابی و دسترسی به منابع مالی موردنیاز برای مشارکت در تجارت بین‌الملل بهره می‌برند.

به گفته بسیاری از کارشناسان و فعالان اقتصادی، شروع یک کسب و کار جدید در ایران امری طاقت فرساست. گواه این مدعا، خیل عظیم طرح‌های دارای مجوز و موافقت اصولی است که به علت در دسترس نبودن منابع مالی، وجود تشریفات اداری و شرایط بسیار سخت اخذ وام از بانک‌ها و درخواست وثیقه‌های سنگین به بهره‌برداری نرسیده‌اند. فقدان آمار و اطلاعات موثق در بخش صنایع کوچک و متوسط نیز امکان هرگونه تجزیه و تحلیل بخشی و توانایی تشخیص ابزارهای سیاستگذاری موردنیاز برای مساعدت موثر به این گونه صنایع را نیز کاهش داده است.

بر اساس مطالعات انجام شده از سوی وزارت صنایع و معادن، افزایش قابل توجهی در ارزش صادرات صنعتی و غیرصنعتی غیرنفتی ایران پیش‌بینی شده است که تا سال ۱۳۸۹، ۸/۲۸ و تا سال ۱۳۹۹، صادرات غیرنفتی باید به عدد چشمگیر ۹/۷ میلیارد دلار برسد. این در حالی است که سهم پیش‌بینی شده برای صادرات صنایع کوچک و متوسط در زمینه خدمات و کالاهای صنعتی و غیرصنعتی در طی این سالها باید به ارزش ۴/۶ و ۵/۲۶ میلیارد دلار برسد. این امر نشانگر افزایش شدید میزان صادرات نسبت به سهم

تحقیقات انجام شده راجع به ریشه‌ها و دلایل عقب ماندگی صنایع کوچک و متوسط در ایران بیانگر تمرکز سیاستهای دولت بر روی صنایع بزرگ بوده است.

فعلی در این بخش است که در حال حاضر تنها عدد ۴۰ میلیون دلار را نشان می‌دهد. برای رسیدن به این اهداف و دستیابی به مقام اول اقتصادی در منطقه و رهایی از پیشوند «در حال توسعه» از کنار نام ایران در جامعه بین‌الملل، رفع موانع و مشکلات پیش

روی و گریبانگیر بخش صنایع کوچک و متوسط ضروری است؛ بنگاه‌هایی که از یک طرف با پیش پا افتاده‌ترین مسائل اقتصادی از جمله کمبود نقدینگی و ناتوانی در پرداخت حقوق کارکنان، توان پایین رقابت پذیری، ارزش افزوده پایین محصولات و... دست به گریبانند و از دیگر سو، سودای رقابت با بنگاه‌های اقتصادی معتبر و بین‌المللی دیگر کشورهای توسعه یافته را در سر دارند و برایشان، صادرات ۵/۲۶ میلیارد دلاری در نظر گرفته شده است.

تاثیر جهانی شدن بر صنایع کوچک و متوسط

چارچوب کلی تمام بحث‌ها و مذاکرات جهانی شدن در ایران، مقدار آمادگی کشورمان برای همسوس شدن با اقتصاد جهانی است، چراکه اقتصاد ایران بر اثر دوری چندین ساله از اقتصاد جهانی از تجربه بسیار کمی در عرصه رقابتهای جهانی برخوردار است که همین امر سبب بروز نگرانی‌هایی در مورد امکان انجام اقداماتی برای حرکت سریع به سمت آزادسازی تجاری شده است.

تحقیقات انجام شده راجع به ریشه‌ها و دلایل عقب ماندگی صنایع کوچک و متوسط در ایران بیانگر تمرکز سیاستهای دولت بر روی صنایع بزرگ بوده است و به همین دلیل، طراحان اقتصادی و بازرگان اصلی تدوین برنامه‌های اقتصادی و توسعه از روزنه‌ای بسیار تنگ به صنایع متوسط و کوچک نگریسته‌اند، به طوری که آن را موضوعی حاشیه‌ای تلقی کردند که بر این موضوع، بی‌علاقگی تحقیق و پژوهش در دانشگاه‌های کشور را نیز باید اضافه کنیم.

بر اساس بررسی‌های سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، فهرستی از اقدامات و راهکارهایی که برای ایجاد شرایط مساعد رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران باید اتخاذ شود، ارائه شده که از جمله

آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد: توسعه و رشد بهره‌وری، حمایت از توسعه خوشه‌های صنعتی ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط، ایجاد پارکهای علمی، توسعه پیمانکاری فرعی، توسعه شبکه‌های کسب و کار، تشویق به ایجاد مراکز ارائه خدمات برای تسهیل در ایجاد و بقای بنگاه‌های کوچک و متوسط، تقویت دسترسی این بنگاه‌ها به اطلاعات مناسب، توسعه بازار سرمایه خصوصی و حمایت از تحقیق و توسعه و فناوری.

تهدید اصلی جهانی شدن برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران و به ویژه بخش صنایع کوچک و متوسط آنها، رقابت فزاینده در بازار جهانی است که از نظر فنی، آمادگی آن را ندارند، چراکه بسیاری از واحدهای صنعتی ایران، خصوصاً بنگاه‌های کوچک و متوسط، با فقدان قدرت فنی و مالی و توانایی‌های مدیریتی لازم برای رقابت جهانی مواجه هستند.

بررسی دقت و نوع گزارش‌های بنگاه‌های اقتصادی، نشانگر میزان شفافیت آنهاست. در میان این خصوصیات، اظهارنامه‌های مالیاتی و اطلاعات واقعی درباره تولیدات دارای اهمیت محوری هستند و نشانگر حس مسئولیت بنگاه نسبت به جامعه ای است که منابع مورد نیاز خود را از آن تامین می کند. براساس یک تحقیق انجام شده، در مورد رفتارهای مالیاتی بنگاه‌های کوچک صنعتی مستقر در تهران، بیشتر آنها در مورد مالیات، رفتار کم‌اظهاری از خود نشان داده‌اند، غافل از اینکه در محیط رقابت جهانی، اینگونه رفتار کردن خودکشی محسوب می شود زیرا موجب محرومیت بنگاه‌ها از فرصتهای مناسب برای نشان دان نقاط ضعف و قوت و توانایی بالقوه خود جهت بهره برداری برای بازار یابی می شود.

جهانی شدن به بنگاه‌های اقتصادی این فرصت را می دهد که قطعات تولیدی را از اقصی نقاط دنیا و مکانهایی که ممکن است از آنها بسیار دور باشد جمع آوری کنند.

این ویژگی جهانی شدن اقتصاد است که اقتصادهای در حال توسعه، چشم امید به آن دوخته‌اند. اما عملیات جهانی شدن بیش از هر چیز، بایستی اثرگذار در هزینه باشد، در واقع اثرگذاری در هزینه‌ها، دلیل وجودی تامین قطعات و خدمات از نقاط مختلف دنیاست.

تهدید اصلی جهانی شدن برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران و به ویژه بخش صنایع کوچک و متوسط آنها، رقابت فزاینده در بازار جهانی است که از نظر فنی، آمادگی آن را ندارند.

مشارکت بنگاه‌های کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی

نتایج تحقیقات حاصل از بررسی تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نشان می دهد که بخش صنایع کوچک و متوسط به دلایل مختلف می تواند نقش محوری در توسعه اقتصادی و صنعتی داشته باشد. چراکه صنایع کوچک و متوسط از بسیج منابع ملی حمایت می کند و در نتیجه باعث ایجاد فرصت‌های شغلی، ایجاد رفاه و فقرزدایی می شود، همچنین به افشار آسیب پذیر جامعه از قبیل جوانان و زنان که ظرفیت محدودی برای مشارکت در توسعه اقتصادی کشورشان دارند کمک می کند. علاوه بر آن، می توانند نقش مهمی در تحقق روند خصوصی سازی در کشور ایفا نمایند. بدون شک توسعه صنایع کوچک و متوسط ثابت کرده که منعطف و نوآور است و در بسیاری از بخشها، صنایع کوچک و متوسط امتیازات رقابتی قابل توجهی نسبت به صنایع بزرگ دارند و این امر آنها را قادر می سازد که سریع تر و موثرتر به تحولات فزاینده جهانی پاسخ دهند.

به عبارت دیگر، صنایع کوچک و متوسط ستون فقرات بخش خصوصی را تشکیل می دهند، به طوری که بیش از ۹۰ درصد بنگاه‌های جهان و ۵۰ الی ۶۰ درصد اشتغال در این بخش متمرکز شده است. میزان مشارکت بنگاه‌های کوچک و متوسط

در بخش‌های صنعتی (صنایع کوچک و متوسط) و در کشورهای در حال توسعه حتی بیشتر است و بیش از ۹۰ تا ۹۵ درصد کل صنایع کوچک یا متوسط و ۷۰ تا ۷۵ درصد اشتغال این صنایع را تشکیل می دهد که ۵۰ تا ۶۰ درصد محصولات صنعتی را تولید می کنند. این موضوع همچنین در مورد کشورهای با اقتصاد در حال گذار صدق می کند که شرکت‌های بزرگ دولتی ناکارآمد، جای خود را به واحدهای صنعتی کوچکتر و کارآمدتر بخش خصوصی می دهند.

در اتحادیه اروپا که حدوداً ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد، ۸/۹۹ درصد کسب و کارها مربوط به بنگاه‌های کوچک و متوسط می باشد و به طور متوسط برای هر ۱۰۰۰ نفر ۵۲ بنگاه وجود دارد. ۶۶ درصد نیروی کار در این بخش شاغل هستند. به عبارت دیگر بیش از ۱۹ میلیون بنگاه خصوصی در بخش‌های صنعت و خدمات وجود دارد. این بنگاه‌ها در اقتصاد اروپا حدود ۶۸۰۰ میلیارد یورو ارزش افزوده ایجاد می کنند و برای قریب ۲/۱۳۲ میلیون نفر شهروند شغل ایجاد می کنند.

بنگاههای کوچک و متوسط و تجربیات جهانی

مالزی کشوری است که ۲۳ میلیون نفر جمعیت دارد و تولید ناخالص داخلی آن به ۲۱۰ میلیارد دلار می رسد. این کشور رشدی در حد ۲/۴ درصد دارد و صادرات آن کشور ۹۵ میلیارد و واردات آن ۷۷ میلیارد دلار است که یکی از بارزترین اقتصادهای جهان را دارد. در قوانین مالزی همانند بسیاری از کشورهای دیگر جهان هیچ تعریف رسمی و مشخصی از بنگاه‌های کوچک و متوسط وجود ندارد و نهادهای گوناگون حمایت کننده از این بنگاهها، از معیارها و تعاریف مختلفی برای شناسایی این واحدها استفاده می کنند.

مهمترین نهاد مرتبط با توسعه و گسترش نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور

مالزی، «موسسه توسعه صنایع کوچک و متوسط» است. این موسسه از دو معیار برای شناسایی و تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط استفاده می‌کند که عبارتند از: تعداد کارکنان و میزان گردش مالی سالانه شرکت. براساس این دو معیار، بنگاه‌هایی که تعداد کارکنان تمام وقت آنها کمتر از ۱۵۰ نفر بوده و حجم گردش مالی سالانه آنها نیز کمتر از ۲۵ میلیون رینگیت مالزی باشد، بنگاه کوچک و متوسط به حساب می‌آیند.

نکته‌ای که در مورد تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در مالزی وجود دارد، آن است که با توجه به سیاست‌های خاص دولت برای پیشبرد توسعه اقتصادی در مناطق کمتر توسعه یافته، در این گونه مناطق تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط به گونه‌ای تعدیل می‌شود تا بتواند دامنه وسیعتری از بنگاه‌ها را دربرگیرد و راه برای انجام حمایت‌های بیشتر از تعداد افزون تری از این بنگاه‌ها، هموار گردد.

سیاستگذاران کلان اقتصادی در مالزی توجه ویژه‌ای به نقش و جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد این کشور دارند و با در نظر گرفتن اهمیت آنها، سیاست‌های کلی برای حمایت از این بنگاه‌ها و گسترش آنها را بر مبنای اهداف سه گانه زیر تدوین کرده‌اند:

- حفظ موقعیت و جایگاه کنونی بنگاه‌های کوچک و متوسط و تثبیت آن در اقتصاد ملی

- حمایت و تسریع در روند رشد و

توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط

- برنامه‌ریزی و ترغیب بنگاه‌های

کوچک و متوسط برای حضور در

بازارهای تجاری بین‌المللی با استفاده

از تولید کالاهای با ارزش افزوده بالا.

برای تحقق اهداف فوق، بنگاه‌های

کوچک و متوسط در مالزی از تولید کالاهای

کاربر و کالاهایی که ارزش افزوده اندکی

دارند فاصله گرفته‌اند و بیشتر به سمت

تولید کالاهایی حرکت می‌کنند که قابل

عرضه در بازارهای بین‌المللی باشد. از طرف دیگر با افزایش رقابت، انگیزه بنگاه‌های کوچک و متوسط برای حضور پررنگ‌تر در بازارهای بین‌المللی افزایش می‌یابد. چنین امری علاوه بر تضمین بقا و رشد واحدهای کوچک و متوسط، باعث تقویت جسارت این بنگاه‌ها برای حضور در بازارهای بین‌المللی می‌شود.

کره جنوبی

این کشور با جمعیتی بیش از ۴۸ میلیون نفر و سرزمینی بسیار کوچک، مدت کوتاهی پس از جنگ کره، اصلاحات خود را آغاز کرد. این راه با سرعت و جدیت تمام دنبال شد به طوری که پس از دو دهه رشد شتابان آن زبانزد کشورهای دیگر شد و یک دهه بعد محصولات صنعتی آن از کیفیت مناسب برای حضور در بازارهای بین‌المللی و رقابت با بزرگان صنعتی برخوردار شدند. رشد صنعتی کره جنوبی ۵/۶ درصد است، صنعت بیش از ۴۱ تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهد در حالی که ۲۱ درصد نیروی کار را جذب کرده است. درآمد سرانه آن اندکی کمتر از ۲۰ هزار دلار است. و تراز تجاری آن مثبت است یعنی در برابر ۶/۱۶۲ میلیارد دلار صادرات، ۴/۱۴۸ میلیارد دلار واردات دارد. در کره جنوبی بنگاه‌های کوچک و متوسط به بنگاه‌هایی گفته می‌شود که کمتر از ۳۰۰ نفر نیروی کار و دارایی آن کمتر از ۶۰ میلیون یورو باشد.

صنایع کوچک و متوسط ستون فقرات بخش

خصوصی را تشکیل می‌دهند، به طوری که

بیش از ۹۰ درصد بنگاه‌های جهان و ۵۰ الی ۶۰

درصد اشتغال در این بخش متمرکز شده است.

بنگاه‌های کوچک و متوسط نقش بسیار

مهمی در نظام اقتصادی - اجتماعی کره

جنوبی ایفا می‌کنند و این بنگاه‌ها یکی از

مهمترین عوامل در رشد اقتصادی، ایجاد

اشتغال و صادرات محسوب می‌شوند.

براساس آمارهای رسمی در حدود ۲۶۴۰۰۰۰ بنگاه کوچک و متوسط در کره جنوبی وجود دارد که سهمی برابر با ۵/۹۹ درصد از کل بنگاه‌های فعال در این کشور است.

این بنگاه‌ها نقش بسیار مهمی نیز در اشتغال زایی و ایجاد ارزش افزوده ایفا می‌کنند. براساس آمارها در حدود ۹۱۰۰۰۰۰ نفر در بنگاه‌های کوچک و متوسط فعالیت دارند که ۵/۷۸ درصد از کل شاغلان این کشور است. از طرف دیگر، بیش از ۹۶ هزار واحد تولیدی صنعتی در کره جنوبی وجود دارد که هر یک بین ۵ تا ۳۰۰ نفر را در استخدام خود دارند. این واحدها سهمی برابر با ۱/۹۹ درصد از کل واحدهای تولیدی این کشور را دارند و با حدود ۲ میلیون نفر پرسنل سهمی برابر با ۲/۶۹ درصد از کل شاغلان بخش تولید صنعتی را به خود اختصاص می‌دهند. ارزش تولیدات این واحدها در سال حدود ۹۲/۱۸۷ تریلیون ون و ارزش افزوده ناشی از فعالیت آنها ۲۸/۸۲ تریلیون ون است. این ارقام به ترتیب ۸/۴۶ و ۲/۴۷ درصد از کل ارزش تولید و ارزش افزوده بخش تولید صنعتی در کره جنوبی است.

در حدود ۶/۹۱ درصد از کل شرکتهای تولید صنعتی در کره جنوبی واحدهایی هستند که بین ۵ تا ۴۹ نفر را در استخدام خود دارند و به ترتیب ۶/۵۸ و ۴۵ و ۴/۴۶ درصد از شاغلان، ارزش تولید و ارزش افزوده تولید صنعتی را به خود اختصاص می‌دهند.

کسب و کارهای کوچکی که در ۷ بخش ماشین‌آلات و تجهیزات، تولید محصولات فلزی، نساجی، چرم و محصولات چوبی، غذا و آشامیدنیها و محصولات لاستیکی و پلاستیکی فعال هستند، ۲/۵۵ درصد از کل بنگاه‌های تولید صنعتی در کره جنوبی

را تشکیل می‌دهند. این بنگاه‌ها ۸/۴۱ درصد

از کل صادرات کره جنوبی را در اختیار

دارند. سهم هر یک از گروه کسب و کارهای

کوچک و متوسط در این میزان صادرات در

جدول شماره یک منعکس شده است.

کره جنوبی با توجه به نقش و تاثیر بنگاه‌های کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی این کشور مسئولیت حمایت و گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط را به وزارت صنعت و تجارت واگذار کرده است. در درون این وزارتخانه تشکیلات ویژه‌ای ایجاد شده است که مسئولیت اصلی را در مورد برنامه‌های مختلف حمایتی و سیاستهای اجرایی دولت در مورد بنگاه‌های کوچک و متوسط بر عهده دارد. این تشکیلات که به اختصار SMBA خوانده می‌شود، سیاستهای اجرایی را با نظر و مشارکت کمیسیون ویژه ریاست جمهوری در امور بنگاه‌های کوچک و متوسط تدوین و به اجرا می‌گذارد.

کانادا

توسعه کسب و کار کوچک و متوسط (SMEs) در کانادا همواره محوریت استراتژیک خود را در برنامه‌های کلان توسعه اقتصادی دولت کانادا داشته است. این اولویت به ویژه در دهه اخیر به شکلی نظام یافته در حوزه‌های تحقیقاتی، آموزشی، سیاستگذاری و اجرایی مورد تاکید دولت فدرال و مقامات استانی قرار گرفته و در ایجاد و تقویت موسسات، نهادها و برنامه‌های حمایتی تبلور یافته است.

توفیق برنامه توسعه SMEs در کانادا مورد توجه سایر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه قرار گرفته و بعضاً دولت کانادا برای انتقال این تجربه با کشورهای در حال توسعه همکاری دارد.

برای بیان ویژگی انواع بنگاه‌ها، وزارت صنایع کانادا معیار تعداد کارکنان را به کار می‌گیرد و بر این اساس:

- یک بنگاه تولید کالا با کمتر از یکصد نفر کوچک تلقی می‌شود، حال آنکه برای بنگاه‌های خدماتی نقطه تمایز کمتر از ۵۰ نفر است. بیشتر از معیار فوق تا مرز ۵۰۰ نفر بنگاه متوسط "MEDIUM" تلقی شده و عبارت SMALL AND MEDIUM

ENTERPRISES به کلیه بنگاه‌های مشمول دو معیار مزبور اطلاق می‌گردد. در دسامبر ۲۰۰۱، تعداد کسب و کارهای ثبت شده و اعلام شده توسط سازمان آمار کانادا حدود ۲/۲ میلیون بوده است. حدود نیمی از این تعداد بنگاه‌هایی بوده‌اند که دارای حداقل یک حقوق‌بگیر رسمی بوده و تعداد

بنگاه‌های کوچک و متوسط نقش بسیار مهمی در نظام اقتصادی - اجتماعی کره جنوبی ایفا می‌کنند و یکی از مهمترین عوامل در ایجاد اشتغال و صادرات محسوب می‌شوند.

کارکنان بقیه در چارچوب آمار رسمی قابل ارائه نبوده و احتمالاً آنها از کارگران موقت استفاده کرده‌اند.

از نظر توزیع جغرافیایی، ۵۸ درصد بنگاه‌ها در ایالت‌های اونتاریو و کبک ۵۳ درصد در ایالات غربی و ۶ درصد بقیه در ایالات شرقی فعالیت دارند.

از یک میلیون بنگاه شناسایی شده دارای حقوق‌بگیر، حدود ۳۰۰۰ یا ۰/۳ درصد دارای بیش از ۵۰۰ نفر، ۹۸ درصد دارای زیر یکصد نفر، ۷۵ درصد زیر ۱۰ نفر و ۵۹ درصد دارای یک تا ۴ نفر کارمند بوده‌اند.

یک چهارم بنگاه‌های کانادا در تولید کالا و بقیه در بخش خدمات فعال هستند. بنگاه‌های تولیدی دارای زیر یکصد نفر دربرگیرنده ۹۷ درصد کل بنگاه‌های تولیدی و بنگاه‌های ارائه‌دهنده خدمات دارای نیروی انسانی کمتر از ۵۰ نفر ۹۵ درصد از کل را تشکیل می‌دهند.

در سال ۲۰۰۱، حدود ۵ میلیون نفر معادل ۴۷ درصد کل نیروی انسانی شاغل در بخش خصوصی در بنگاه‌های با کمتر از ۱۰۰ نفر شاغل بوده و ۱/۶ میلیون دیگر معادل ۱۶ درصد برای بنگاه‌های متوسط (۴۹۹-۱۰۰ نفر) کار می‌کردند. در مجموع بنگاه‌های کوچک و متوسط کانادا ۶۲ درصد کل شاغلان در بخش خصوصی یعنی ۶/۶ میلیون نفر را در استخدام داشتند. توزیع اشتغال

بر حسب اندازه بنگاه در صنایع مختلف تفاوت دارد. در ده صنعت که بنگاه‌های کوچک نقش فراگیرتری دارند بیش از نیمی از نیروی انسانی شاغلند. مثلاً سهم بنگاه‌های کوچک (بازیر یکصد نفر) در کل اشتغال صنعت ساخت و ساز ۷۸ درصد، در صنعت توزیع عمده ۵۵ درصد، در خرده‌فروشی ۵۰ درصد، در صنایع مربوط به جنگل ۵۹ درصد، در بخش معدن ۲۶ درصد و در صنایع تولیدی ۳۷ درصد است. از نظر کل اشتغال حاصله در حوزه بنگاه‌های کوچک، بیش از ۶۰ درصد متعلق به بخش‌های توزیع کوچک و توزیع عمده، تولید صنعتی، ساخت و ساز و هتل‌داری و غذا است.

در دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۴، نسبت سهم تولید شغل توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط و بزرگ متغیر بوده است. در سال‌های ۹۵-۱۹۹۴ بیشتر تولید شغل توسط بنگاه‌های کوچک و در سال‌های ۹۷-۹۶ بنگاه‌های متوسط میدان دار بودند. در سه سال آخر دهه گذشته، بنگاه‌های کوچک حدود ۱۴ مشاغل جدید را ایجاد کردند، در حالی که بیش از نیمی از اشتغال توسط بنگاه‌های بزرگ صورت گرفت. بر اساس آمار در سال ۲۰۰۱، نرخ افزایش شغل آهسته‌تر شد به طوری که در سه ماهه اول به ۴۰/۰۰۰ شغل و در سه ماهه آخر به حدود ۱۰۰/۰۰۰ رسید.

تایوان

تایوان درآمد سرانه‌ای برابر با ۱۸ هزار دلار دارد، جمعیت فعال آن به حدود ۴۵ درصد کل جمعیت که رشدی بسیار ناچیز دارد می‌رسد. صادرات و واردات آن بیش از ۲۴۰ میلیارد دلار است و مازاد تجاری دارد.

تایوان برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر، نرخ تورم بسیار اندکی در حد ۲ درصد دارد و در عین حال رشد تولید ناخالص ملی آن به ۵/۳ درصد می‌رسد.

در قوانین کشور تایوان از چند معیار برای تعریف و شناسایی بنگاه‌های کوچک و متوسط استفاده می‌شود. این معیارها عبارتند از میزان

سرمایه تعهد شده یک بنگاه و مجموع دارایی ها و حجم فروش.

بر اساس معیارهای بالا، در مورد بنگاههای تولیدی، چنانچه میزان سرمایه ثبت شده آنها کمتر از ۴۰ میلیون دلار تایوان و مجموع دارایی هایشان کمتر از ۱۲۰ میلیون دلار تایوان باشد، بنگاه کوچک و متوسط به حساب می آیند. همچنین ملاک تعریف بنگاههای کوچک و متوسط برای بنگاه های غیر تولیدی حجم فروش آنها می باشد. بر اساس این معیار، در بنگاههای تجاری، حمل و نقل و خدماتی چنانچه میزان فروش کمتر از ۴۰ میلیون دلار تایوان باشد، آن بنگاه یک بنگاه کوچک و متوسط محسوب خواهد شد.

بنگاه های کوچک و متوسط یکی از مهم ترین بخشها در نظام اقتصادی - اجتماعی کشور تایوان محسوب می شوند. این کشور از نظر دارا بودن تعداد شرکتهای کوچک و متوسط صنعتی (از مجموع شرکتهای صنعتی) در بین کشورهای جهان در جایگاه اول قرار دارد، چرا که نزدیک به ۹۸ درصد از کل شرکتهای صنعتی در تایوان را بنگاههای کوچک و متوسط تشکیل می دهند. در بخش خدمات نیز بیش از ۸۹ درصد از مجموع شرکتهای تجاری و خدماتی متعلق به بنگاههای کوچک و متوسط است.

بنگاههای کوچک و متوسط از نظر ایجاد اشتغال، نقش بسیار مهمی در اقتصاد تایوان بر عهده دارند و بخش مهمی از شاغلان این کشور در بنگاههای کوچک و متوسط فعالیت می کنند. نزدیک به ۷۸ درصد از مجموع افرادی که سالانه جذب بازار کار می شوند، به استخدام بنگاههای کوچک و متوسط در می آیند.

نگاهی به آمارهای منتشر شده در

مورد وضعیت بنگاههای کوچک و متوسط در تایوان نشان می دهد که این بنگاهها نه تنها از نظر تعداد و همچنین ایجاد اشتغال مهم هستند، بلکه نقش بسیار مهمی نیز در تولید و صادرات این کشور دارند. در سالهای اخیر،

بنگاههای کوچک و متوسط نزدیک به ۳۰ درصد از کل فروش شرکتهای و ۲۰ درصد از مجموع صادرات مستقیم این کشور را به خود اختصاص داده اند. در سال ۲۰۰۲ میلادی، سهم فروش بنگاههای کوچک و متوسط از کل فروش بنگاههای تایوان در حدود ۷/۲۱۵ میلیارد دلار آمریکا و ارزش صادرات مستقیم این بنگاهها به بیش از ۹/۳۸ میلیارد دلار آمریکا رسیده است.

یکی دیگر از موارد مهم در مطالعه بنگاههای کوچک و متوسط در تایوان، توجه به سن و قدمت این نوع بنگاه هاست. چنانچه بنگاه های کوچک و متوسط بر اساس مدت زمانی که از تاسیس آنها می گذرد، طبقه بندی شوند، بیشتر بنگاه ها در رده سنی بین ۵ تا ۱۰ سال قرار می گیرند، چرا که از تاسیس بیش از ۶۴ درصد از بنگاههای کوچک و متوسط در تایوان بیش از ۵ سال می گذرد. این رقم در مورد بنگاههای بالاتر از ۱۰ سال، بیش از ۴۲ درصد می باشد.

در سالهای اخیر به طور مداوم تعداد بنگاههای کوچک و متوسطی که بیش از ۵ سال دارند افزایش یافته است و در مقابل از تعداد بنگاههایی که دارای قدمتی کمتر از ۵ سال باشند، کاسته شده است.

آلمان

آلمان بیش از ۸۲ میلیون نفر جمعیت دارد، تولید ناخالص داخلی آن به ۲۱۶۰ میلیارد دلار می رسد و درآمد سرانه آن در حد ۲۶۲۰۰ دلار

بنگاههای کوچک و متوسط از نظر ایجاد اشتغال، نقش بسیار مهمی در اقتصاد تایوان بر عهده دارند و بخش مهمی از شاغلان این کشور در بنگاههای کوچک و متوسط فعالیت می کنند.

است. از نیروی کار ۴۲ میلیونی این کشور نزدیک به ۱۰ درصد بیکار هستند. این میزان بیکاری برای کشوری که در شمار صنعتی ترین کشورها قرار دارد و در زمره بزرگترین اقتصادهای جهان به حساب می آید، یک

معضل بزرگ تلقی می شود.

شاید برای حل این معضل هم بوده است که دولت آلمان از سالیان پیش برای پشتیبانی از بنگاههای کوچک و متوسط که ضریب اشتغالزایی بالایی دارند تمهیداتی را فراهم آورده است. سیاست گذاری دولت آلمان و اقدامات فراگیر آن آموزنده می نماید.

بنگاههای کوچک و متوسط در آلمان با سایر کشورهای اروپایی تفاوت دارد. در این کشور از دو معیار تعداد کارکنان و میزان گردش مالی سالانه بنگاهها برای شناسایی این نوع بنگاهها استفاده می شود. بر اساس معیار اول بنگاههایی کوچک و متوسط شمرده می شوند که تعداد کارکنان آنها کمتر از ۵۰۰ نفر باشد. آن دسته از بنگاهها که تعداد کارکنان آنها حداکثر ۱۰ نفر باشد، بنگاه کوچک و از ۱۰ نفر تا ۵۰ نفر بنگاه متوسط به حساب می آیند.

میزان گردش مالی بنگاهها نیز معیار دیگری برای طبقه بندی بنگاههای کوچک و متوسط به شمار می رود. بنگاههایی که گردش مالی آنها کمتر از ۵۰ میلیون مارک در سال باشد بنگاه متوسط و بنگاههایی که گردش مالی آنها کمتر از ۵۰۰ هزار مارک باشد، بنگاه کوچک به حساب می آیند.

بر اساس آمارهای ارائه شده ۳/۹۹ درصد از شرکتهای آلمانی را بنگاههای کوچک و متوسط تشکیل می دهند. در خصوص اهمیت این بنگاهها در اقتصاد آلمان همین بس که حداقل ۲/۳ میلیون بنگاه کوچک و متوسط در آلمان فعالیت دارند.

این بنگاهها در حدود ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور را ایجاد می کنند و موتور توسعه، محرک نوآوری و رقابت و یکی از مهمترین عوامل ایجاد اشتغال در بازار کار می باشند.

در مورد اهمیت این بنگاهها از نظر ایجاد اشتغال شایان ذکر است که در حال حاضر بیش از ۲۰ میلیون نفر در بنگاههای کوچک و متوسط اشتغال دارند که این رقم ۷۰ درصد کل شاغلان در این اقتصاد را دربر می گیرد.

طی دو دهه گذشته نیز بیشترین اشتغال توسط بنگاههای کوچک و متوسط ایجاد شده است. از طرفی این بنگاهها ۸۰ درصد آموزش نیروی کار و تربیت کارآموزان جوان را بر عهده دارند. بنگاههای کوچک و متوسط در نظام آموزشی دو گانه آلمان نقش موثری را ایفا می کنند و علاوه بر تامین نیروی کار مورد نیاز خود، بخشی از نیروی کار مورد نیاز جامعه را نیز تربیت می کنند. نکته دیگری که در خصوص اهمیت بنگاههای کوچک و متوسط گفتنی است این است که تنها یک درصد تحرک بیشتر و افزایش راندمان در این بنگاهها به ایجاد چهار صد هزار شغل جدید در اقتصاد آلمان می انجامد.

چالشهای پیش روی بنگاههای کوچک و متوسط

بنگاههای کوچک و متوسط در بیشتر کشورهای جهان با مشکلات نسبتاً مشابهی مواجه هستند، اما آنچه در این میان از اهمیت ویژه ای برخوردار است چگونگی برخورد و اقداماتی است که برای حل این مشکلات صورت می گیرد. در اینجا به برخی از مشکلات مرتبط با بنگاههای کوچک و متوسط در آلمان اشاره و سپس به اقدامات برخی از نهادها در جهت رفع این مشکلات می پردازیم:

- بیشتر بنیانگذاران بنگاههای کوچک و متوسط در کشور آلمان به سن کهولت رسیده اند و باید کار خود را یا به سایر افراد خانواده و یا به دیگر مدیران جوان واگذار نمایند.
- تامین مالی برای بنگاههای کوچک و متوسط در مقایسه با شرکتهای بزرگ مشکل تر است. این مساله بویژه در هنگام تاسیس چنین بنگاههایی بیشتر رخ می نماید. شرایطی هم که بانکها برای تامین وام و اعتبارات به بنگاههای کوچک و متوسط در نظر می گیرند، نامناسب تر از شرایطی است که برای شرکتهای بزرگ در نظر می گیرند!
- تامین منابع انسانی و نیروی کار

کارآمد برای بنگاههای کوچک و متوسط در مقایسه با شرکتهای بزرگ مشکل تر است، زیرا پیشنهادهای شرکتهای بزرگ برای متخصصین از جاذبه بیشتری برخوردار است. به این مساله باید این نکته را هم اضافه کرد که حدود ۸۰ درصد نیروی کار، دوران کارآموزی خود را در بنگاههای

تنها یک درصد تحرک بیشتر و افزایش راندمان در بنگاههای کوچک و متوسط آلمان به ایجاد چهار صد هزار شغل جدید می انجامد.

کوچک و متوسط طی می کنند و سپس جذب شرکتهای بزرگ می شوند.

در بنگاههای کوچک و متوسط ارتباط نزدیکی بین صاحب یا مدیر بنگاه و وضعیت اعتبار و پرستیژ آن بنگاه وجود دارد. این ارتباط نزدیک در مورد کارکنان شرکت نیز مصداق دارد به طوری که مشکلات شخصی مدیران و یا صاحبان بنگاههای کوچک و متوسط می تواند برای کل بنگاه مشکل آفرین باشد. از سوی دیگر رابطه نزدیک با کارکنان بر امکان تعدیل نیروی انسانی در مواقع بحران و رکود اقتصادی تاثیر منفی می گذارد، در حالی که شرکتهای بزرگ کمتر با چنین مشکلاتی مواجه هستند.

- قدرت تاثیر گذاری بنگاههای کوچک و متوسط بر مسائل محیطی و منطقه ای قابل مقایسه با شرکتهای بزرگ نیست و بنگاههای کوچک ناچارند که خود را با شرایط محلی تطبیق دهند. مثلاً وقتی شرکت BMW برای ایجاد کارخانه جدید در فکر تهیه زمین بود، شهرهای مختلف برای دادن زمین و تسهیلات به این شرکت با هم به رقابت می پرداختند.

در جمهوری فدرال آلمان دست کم ده نهاد گوناگون به طرق مستقیم و غیرمستقیم بنگاههای کوچک و متوسط را تحت حمایت قرار می دهند. عملکرد این نهادها به گونه ای است که اقدامات هریک از آنها تکمیل

کننده اقداماتی است که توسط سایر نهادها انجام می شود.

بنگاه های کوچک و متوسط در ایران

در نخستین روزهای آخرین ماه سال گذشته، وزیر کار و امور اجتماعی در همایش هم اندیشی دفاتر کار آفرینی وزارتخانه ها و سازمان ها از نهادینه شدن فرهنگ کار در جامعه و نهادینه شدن قوانین مربوط به تسهیل امور تولیدی و رفع موانع تولید و سرمایه گذاری به نفع اشتغال و تولید خبر می دهد. وی همچنین تشکیل بنگاه های کوچک و متوسط را در دستور کار دولت بر شمرد و افزود: خوشبختانه دستور العمل های این کار مشخص شده و ما تا پایان امسال (۱۳۸۴) باید مراحل توجیهی کار را دنبال کنیم که این کار از سوی حوزه معاونت هر وزارتخانه و دفاتر کار آفرینی پیگیری خواهد شد.

در همین مراسم است که دکتر چهرمی به برنامه های در دستور کار وزارت کار و امور اجتماعی اشاره و اذعان می کند: «در استان های کشور با کمک و مساعدت مجموعه استانداران، حرکتی آغاز شده که در کنار ارائه سندهای اشتغال، حمایت از بنگاه های کوچک و متوسط نیز مدنظر قرار گیرد، همچنین کار ارائه طرح های دارای توجیه اقتصادی فنی به بانک ها شروع شده که طبعاً با این اقدام اعتبارات سیستم بانکی به سمت بخش های نیازمند سرمایه گذاری جهت داده می شود.»

وزیر کار و امور اجتماعی، با بیان اینکه کار آفرینی مقوله جدیدی در کشور است، اظهار کرد: «باید موتور محرک اقتصادی خود را بر دوش کار آفرینان بگذاریم و برنامه هر دستگاه و سازمانی این باشد که چگونه می تواند کار آفرینان بخش های خود را هدایت و حمایت کند.»

وی رفع مشکل نقدینگی واحدهای تولیدی و حل مشکل بهره وری و تجهیز سرمایه در واحدهای کوچک و متوسط را برای

رقابت پذیر کردن کالاها و کاهش قیمت ها موثر خواند و تصریح کرد: «اگر فضای کسب و کار در کشور فضای سودآوری و حرکت زایی نباشد هیچ گونه نتیجه ای در بر نداشته است. مادامی که فرهنگ کار در جامعه نهادینه نشود، قوانین مربوط به تسهیل امور تولیدی و رفع موانع تولید و سرمایه گذاری به نفع اشتغال و تولید تغییر نکند نمی توان انتظار پیشرفت را داشت.»

وزیر کار و امور اجتماعی همچنین تاکید کرد: ساختار و رویکرد دستگاه های اجرایی باید به سمت صادرات محوری باشد، چراکه امروزه صادرات کالا و به دست آوردن بازارهای جهانی بسیار مشکل و پیچیده شده است و لذا سازمان ها و کسانی که در امر صادرات و بازرگانی فعالیت دارند باید صادرات محوری را سرلوحه فعالیت های خود قرار دهند.»

سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران

تمرکز بر توسعه و اشتغالزایی در صنایع کوچک و زودبازده از سیاست های اصلی سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران است.

محمدرضا نوتاش، معاون وزیر صنایع و معادن و رئیس سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران، با بیان این مطلب می افزود: بر اساس برنامه های پیش بینی شده در سال جاری، ۲ هزار واحد تولیدی، اعم از کارخانجات کوچک، زودبازده و متوسط و با اشتغالزایی معادل ۵۰ هزار نفر و ۵۰۰ کارگاه برای استقرار اشتغال های زودبازده در شهرک های صنعتی، به بهره برداری می رسد.

وی توسعه نرم افزاری را از دیگر برنامه های این سازمان اعلام و اظهار می دارد: بر این اساس، امسال ۸ مرکز خدمات فنآوری و کسب و کار با هدف ارائه خدمات نرم افزاری، فنی مهندسی و مشاوره ای و اصلاح ساختار و فرآیند صنایع و واحدهای کوچک به بهره برداری می رسد و به علاوه

آغاز احداث شش مجتمع I'I در شهرک های صنعتی شهرستان های بزرگ در برنامه قرار دارد.

وی در مورد برنامه آن سازمان، بیان می دارد: در هر ماه بیش از ۱۶۰ واحد تولیدی، یک تصفیه خانه و حداقل ۴ شهرک صنعتی جدید به بهره برداری می رسد و چهار هزار شغل جدید ایجاد و ۴۲ کارگاه ساخته شده به صنایع اشتغال زا واگذار می شود و ۲ تصفیه خانه جدید نیز طراحی می شود.

معاون وزیر صنایع و معادن ادامه می دهد: امسال ۲۹۰ ناحیه صنعتی روستایی با هدف توسعه زیرساخت ها و ارائه خدمات تکمیلی به این سازمان واگذار می شود که بر این اساس موافقتنامه های مورد نیاز در ماه جاری با سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ها، مبادله خواهد شد.

نوتاش از بودجه مصوب ۲۳۴/۵ میلیارد تومانی برای آن سازمان در سال ۸۵ خبر می دهد و می افزود: بودجه این سازمان از دو منبع بودجه عمومی و داخلی تأمین می شود که امسال از محل بودجه عمومی کشور، مبلغی معادل ۸۲ میلیارد تومان برای اجرای طرح های زیربنایی مانند تکمیل تصفیه خانه ها، ایجاد شهرک های فنآوری و تأمین برق مورد نیاز صنایع مستقر در شهرک ها، در نظر گرفته شده است و بقیه منابع مورد نیاز یعنی ۲۵۱/۵ میلیارد تومان از منابع داخلی مانند تسهیلات بانکی، تأمین می شود.

رئیس سازمان صنایع کوچک و

تمرکز بر توسعه و اشتغالزایی در صنایع کوچک و زودبازده از سیاست های اصلی سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران است.

شهرک های صنعتی ایران همچنین می افزود: این سازمان برای واحدهای کوچک و زودبازده که ایجاد اشتغال نیز می کنند، تسهیلاتی در نظر گرفته است: «از جمله برنامه های دولت برای حفظ جایگاه ویژه

اقتصادی در منطقه و حل مشکل اشتغال، ایجاد بنگاه های کوچک و زودبازده است که ما نیز برای حمایت از این بنگاه ها فعالیت هایی را به صورت فرآیند کامل طراحی کرده ایم.» وی با اشاره به این که با توجه به استعداد هر منطقه و مزیت های هر استان، ثبت نام از متقاضیان سرمایه به عمل خواهد آمد، گفت: پس از ثبت نام، پیشنهاد طرح ها بررسی می شود که در این طرح ها، مشخصات تولید، فرآیند آن، زیربنای مورد نیاز و دیگر اطلاعات مشخص شده است.

نوتاش می افزود: مجوز تأسیس و معرفی افراد به کار گروه برنامه ریزی و اشتغال هر استان برای گرفتن تسهیلات بنگاه های کوچک در مراحل بعدی است که بانک نیز پس از کارشناسی و اخذ وثیقه، تسهیلات را در اختیار افراد می گذارد.

وی ارائه خدمات مشاوره ای فنی و نرم افزاری را از دیگر فعالیت های سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران عنوان کرده و می گوید: ۶ شهرک فنآوری مصوب وجود دارد که ۲ شهرک فنآوری غذایی و بیوتکنولوژی در مشهد و فنآوری قطعات در تبریز به بهره برداری رسیده است و ۴ شهرک دیگر در ارومیه، اصفهان، تهران و شیراز به بهره برداری خواهد رسید.

نوتاش خاطر نشان می کند: خدمات خط تولید، انتخاب ماشین آلات و ارتقای آن، ایجاد خط تولید جدید، بازاریابی، مشاوره های مالی و حقوقی و ارتقای بهره وری از جمله خدمات فنآوری و نرم افزاری سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران است.

تشکیل تولیدات خوشه ای

در پژوهش های انجام شده به ویژه طی ۱۰ سال اخیر سه چالش بیکاری، گرانی و تورم و فساد اداری شناسایی شده و دولت نهم بدون هیچ رفتار سیاسی، خود را برای برخورد با آنها آماده کرده است.

به گفته رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور، دولت و وزارت کار چند گام

اساسی برای تبدیل فضای کشور به فضای اشتغال، فراهم کردن تدریجی ابزار حقوقی، جهت‌دهی سیاست‌های مالی، پولی و بانکی به سمت اشتغال و هدایت سیاست‌های اجرایی به این سمت و سورا به‌درستی برداشته است.

کردان با یادآوری مجدد مسئولیت مجموعه وزارت کار و وظیفه نهادینه کردن اشتغال پایدار از سوی این وزارتخانه گفت: اگر سیستم دقیقی برای پیاده‌سازی ابزارهای چهارگانه به‌درستی تعریف نشود، این ابزارها منجر به ایجاد اشتغال پایدار نشده و در صورت نارسایی در این نقطه کلیدی، باید پاسخگو باشیم؛ از این رو طی ماه‌های گذشته برنامه‌ریزی‌های متعددی در سازمان کردیم، ولی حلقه مفقوده باید شناسایی و تکمیل می‌شد.

رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، اولین مطالعه و برنامه‌ریزی انجام یافته را این چنین دانست: سهم‌شدن سازمان در افزایش بهره‌وری، نیازمند حضور ما در صنایع است. مطالعاتی در خصوص شهرک‌های صنعتی انجام داده و ۷۲ شهرک صنعتی با حداکثر ۳۰ نفر شاغل در واحدهای صنعتی را شناسایی کرده ایم و با استقرار مراکز سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در این شهرک‌ها و تخصیص ۷۲ میلیارد تومان بودجه، تولیدات خوشه‌ای را شکل می‌دهیم.

وی می‌گوید: در صورت اختصاص یافتن ۷۲ میلیارد تومان، قول می‌دهم در ۱۲ فروردین ماه سال ۸۶ این ۷۲ شهرک صنعتی را مجهز به سیستم سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کنم. کردان در خصوص برنامه‌ریزی انجام یافته می‌افزاید: در سفرهای ۱۶ گانه استانی هیأت دولت، میانگین موزون برای هر استان از نظر فنی و حرفه‌ای، چهار پروژه تعریف شده است. اعلام آمادگی می‌کنم در صورت پرداخت اعتبارات مصوبات استانی سال ۸۵ و ۸۶ به‌صورت یکجا، کل پروژه‌های مصوب دولت در استان‌ها را تا پایان سال اجرایی کنیم.

۱۵ درصد یارانه دولت به بنگاه‌های کوچک و زودبازده پرداخت می‌شود

معاون برنامه‌ریزی منابع انسانی و سیاست‌گذاری اشتغال وزارت کار هم با دید مثبت به بنگاه‌های کوچک و زودبازده اینچنین اشاره می‌کند: «۱۵ درصد یارانه دولت به بنگاه‌های کوچک و زودبازده پرداخت می‌شود».

۷۶ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مستقیماً وارد بازار کار نمی‌شوند و عملاً دو سوم نیروهای آموزش‌دیده کشور به‌خاطر عدم هماهنگی با نیازهای جامعه، امکان ورود به بازار کار را ندارند.

جواد فرش‌باف ماهریان می‌افزاید: با سیاست‌گذاری اشتغال که در وزارت کار صورت گرفته، وزارت کار در صدد است تا در مجموعه نظام اقتصادی کشور و دولت، تمرکز برای سیاست‌گذاری اشتغال ایجاد کند تا تمام نیروها و ظرفیت‌ها در یک راستا باعث افزایش هم‌افزایی در ایجاد اشتغال شده و خود به خود به سمت کاهش بیکاری خواهیم رفت.

وی اضافه می‌کند: ۷۶ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مستقیماً وارد بازار کار نمی‌شوند و عملاً دو سوم نیروهای آموزش‌دیده کشور به‌خاطر عدم هماهنگی با نیازهای جامعه، امکان ورود به بازار کار را ندارند، ولی با برنامه‌ریزی صحیح و اصولی می‌توان بیش از سه چهارم نیروهای آموزش‌دیده را وارد بازار کرد.

معاون وزیر کار و امور اجتماعی با اشاره به انتقال دبیرخانه شورای عالی اشتغال به وزارت کار و استقرار دبیرخانه‌های کارگروه‌های اشتغال و سرمایه‌گذاری در سازمان‌های کار و فنی و حرفه‌ای استان‌ها گفت: نرم‌افزار بنگاه‌های اقتصادی برای جهت‌دهی سرمایه‌گذاری‌های استانی متناسب با استعداد و ویژگی‌های استان‌ها و دسترسی استان‌ها تدوین شده و در اختیار استان‌ها قرار گرفته

است. همچنین سند اشتغال وزارتخانه‌های اشتغال را در ۳۰ استان کشور تهیه شده است. معاون برنامه‌ریزی منابع انسانی و سیاست‌گذاری اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی اشاره می‌کند: ۲۰۰ هزار طرح با تعهد ۶۸۰ هزار فرصت شغلی برای دریافت تسهیلات بنگاه‌های کوچک و زودبازده به وزارت کار ارسال شده است که ۸۰ هزار طرح از سوی سیستم بانکی مورد تأیید قرار گرفته است و ۳۰ هزار طرح به مرحله عقد قرارداد رسیده و ۹۵ هزار میلیارد ریال از سوی سیستم بانکی به این ۳۰ هزار طرح تخصیص یافته است.

فرش‌باف با اشاره به ارائه ۲۰۰ هزار طرح در قالب بنگاه‌های کوچک و زودبازده در کارگروه‌های استانی گفت: طرح کارورزی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در دبیرخانه شورای عالی اشتغال مطرح شده است و پیش‌بینی می‌کنیم از این طریق ۲۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد شود.

وی تأکید می‌کند: بنگاه‌های کوچک و زودبازده کارگاه‌هایی هستند که کمتر از ۵۰ نفر نیرو و اعتباری کمتر از ۱۰ میلیارد ریال دارند و ارائه تسهیلات مالی یا طرح‌ها، یکی از راه‌های اشتغال‌زایی است.

وی می‌افزاید: برای رسیدن به نرخ بیکاری پیش‌بینی‌شده در برنامه چهارم توسعه باید سالانه ۹۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد گردد و تا پایان سال پنجم برنامه چهارم نرخ بیکاری از ۱۲/۴ درصد فعلی به ۸/۴ درصد کاهش یابد.

وی درباره واگذاری شرکت‌های مستقر در شهرک‌های صنعتی در کنار تأسیس شرکت‌های مادر تخصصی به‌عنوان یکی از اهداف وزارت کار می‌گوید: در سند فرابخشی توسعه اشتغال، هم‌پوشانی دستگاه‌ها به لحاظ طرح‌های اشتغال‌زایی بین رفته و به‌صورت دقیق اشتغالی که هر دستگاه ایجاد می‌کند، مشخص می‌شود.

وی می‌افزاید: طرح گردآوری اطلاعات آماری بنگاه‌های کوچک در دستور کار وزارت

کار قرار دارد و ماندگاری بنگاه‌های کوچک مشروط به این است که این بنگاه‌ها تحت پوشش شرکت‌های مادر تخصصی قرار بگیرند و تولید خوشه‌ای یا زنجیره‌ای داشته باشند، در غیر این صورت میانگین عمر آن‌ها همچنان ۲/۴ سال خواهد بود.

آناهیتا قاسمی غنچه‌نازی، کارشناس صنعتی، اعتقاد دارد که ارتقای کیفیت محصولات داخلی، افزایش مشتریان خارجی را به دنبال دارد و تولیدکنندگان باید برای افزایش سطح کیفی محصولات خود، سیاست‌های مدیریتی جدیدی را در پیش گیرند.

امروزه، تولیدکنندگان بزرگ باید با تفکیک مسئولیت‌های تولید یک پروژه یا محصول به کارخانه‌ها و شرکت‌های مختلف و برون‌سپاری بخش‌های جزئی تولیدات خود، ضمن این که باعث افزایش اشتغال و اشتغال‌زایی می‌شوند، موجب تخصصی شدن و ارتقای سطح تجربه صنعتگران نیز بشوند که بدین ترتیب با ایجاد زنجیره‌های تولیدی، کیفیت نیز ارتقا می‌یابد.

وی در مورد دیگر مزایای تولیدات زنجیره‌ای خاطر نشان می‌کند: با اجرای طرح‌های برون‌سپاری و تفکیک فعالیت‌های تولیدی برای تولید یک محصول، زنجیره‌ای تشکیل می‌شود که از توان رقابتی بیشتری نسبت به یک کارخانه برخوردار است و چون اعضای این زنجیره در سود و زیان با هم شریک هستند، لطمات کمتری آن‌ها را تهدید می‌کند.

محمد فقیهی، معاون سابق توسعه تجارت وزارت بازرگانی، چنین اعتقاد دارد:

با توجه به این موضوع که اقتصاد دنیا تمایل به اقتصاد آزاد دارد و هر روز قوانین جدیدی در این حوزه وضع می‌شوند، صنایع کشور باید به سرعت خود را با شرایط بازارهای جهانی و قوانین آن منطبق کنند وگرنه شکست می‌خورند.

این کارشناس بازرگانی می‌گوید: مطابق با قوانین تجارت آزاد، پرداخت یارانه به صنایع جهت ارتقای سطح کیفی محصولات و افزایش ارزش صادراتی آن‌ها درست نیست و محصولات صنایع خود باید قابلیت صادراتی داشته باشند، نه این که به آن‌ها تزریق شود، زیرا به این ترتیب یک بازار انحصاری به وجود می‌آید که کاملاً مغایر با قوانین WTO است.

فقیهی خاطر نشان می‌کند: تخصیص اعتبارات بانکی مناسب و معقول به محصولات صنعتی که ارزش صادراتی بالایی دارند و نیز قبول مسئولیت حمل و نقل محموله‌های صادراتی از جانب دولت می‌تواند در بهبود شرایط فعلی مؤثر باشد و به این ترتیب، دولت بدون پرداخت هزینه‌های نقدی به صنایع کمک کند. همچنین به کارگیری استانداردهای جهانی و استانداردهای مدنظر کشورهای هدف در تولیدات، از دیگر امور یاست که فقیهی توجه تولیدکنندگان داخلی را به آن جلب می‌کند: پرداختن به اخذ گواهینامه‌های بین‌المللی و استانداردهای مورد نظر کشورهای هدف می‌تواند در جلب نظر مشتریان خارجی مؤثر بوده و بازارهای خارجی صنایع داخلی را توسعه دهد.

بر اساس آمارهای موجود، ۶۵ هزار پروانه بهره‌برداری از مجموع ۷۰ هزار پروانه صادر شده توسط وزارت صنایع و معادن،

بر اساس آمارهای موجود، ۶۵ هزار پروانه بهره‌برداری از مجموع ۷۰ هزار پروانه صادر شده توسط وزارت صنایع و معادن، مربوط به واحدهای صنعتی کوچک است.

مربوط به واحدهای صنعتی کوچک است. روانبخش، معاون برنامه‌ریزی و نظارت سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران با بیان این مطلب می‌افزاید: از مجموع کل این پروانه‌ها، حدود ۱۹ درصد، یعنی معادل ۱۳ هزار واحد صنعتی در داخل

شهرک‌های صنعتی مستقر شده و از امکانات شهرک‌ها استفاده می‌کنند.

وی درباره میزان اشتغالزایی در این واحدهای صنعتی می‌گوید: برآورد اشتغال واحدهای بهره‌بردار شده، حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر است که از این رقم، ۷۶۸ هزار نفر در کارگاه‌های کمتر از ۵۰ نفر، به کار اشتغال دارند، یعنی ۴۵ درصد اشتغال، ناشی از صدور پروانه‌های بهره‌برداری کارگاه‌های صنعتی کوچک است.

تعاون؛ کلید موفقیت بنگاه‌های کوچک اقتصادی

تا قبل از تصویب برنامه چهارم توسعه، دولت توجه چندانی به بخش تعاون به عنوان شاهراه اصلی حرکت به سمت توسعه و عدالت اجتماعی نداشت. تدوین سند ملی توسعه بخش تعاون با محور اشتغال جوانان، ارتقای بهره‌وری، بهبود مدیریت تعاونی‌ها، ترویج فرهنگ تعاون، کاهش تصدی‌گری دولت و اولویت بخش تعاون نسبت به دو بخش دیگر اقتصادی ارائه‌دهنده یکی از مسیرهای مشخص شده برای این حرکت بزرگ قلمداد می‌شود.

بر اساس سند برنامه چهارم توسعه بخش تعاون حدود ۸۳۲ هزار فرصت شغلی با مجموع سرمایه‌گذاری حدود ۱۴۵ هزار میلیارد ریال در تعاونیهای صنعتی و معدنی ایجاد خواهد شد.

تحقق اهداف مزبور و رسیدن به سهم ۲۵ درصدی اقتصاد کشور تا پایان برنامه چهارم توسعه مستلزم شتاب بخشیدن به فعالیتهای بخش تعاون در تجمیع سرمایه‌های مردم و حضور مؤثر در عرصه‌های اقتصادی می‌باشد. در این راستا پیش‌بینی شده با ورود به عرصه‌های نوین صنایع، صنایع پایین دستی پتروشیمی، سیمان، فولاد و سایر صنایع سرمایه‌بر دسترسی به اهداف مزبور تسهیل گردد.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ با وجود تعداد ۶۵۰۰۰ روستا در کشور، جمعیتی بالغ

بر ۷۰۳۳۰۰۰ نفر نیروی انسانی غیرفعال در این روستاها وجود دارد که بالطبع برای یافتن شغل مناسب به مرور اقدام به مهاجرت به شهرها نموده و بدین ترتیب موجبات متروک ماندن امکانات و عدم احیای قابلیت‌های موجود در سطح روستاها را فراهم ساخته و از سویی با افزایش جمعیت شهری ناشی از این مهاجرتها، معضلات اجتماعی نظام شهرنشینی را مضاعف نموده است.

مبارزه با این مشکلات عزمی راسخ، ملی و توأم با برنامه ریزی منطقی و کارآمد را می‌طلبد. استفاده از روش‌های جدید برای تلفیق امکانات و توانمندیها با تنگناها و محدودیتها در شکل مشارکتهای مردمی می‌تواند یکی از راهکارهای مناسب برای حل این معضل اجتماعی و اقتصادی کشور باشد. در اینجا است که با ایجاد روحیه تعاون و معاضدت در بین ساکنین روستاها، می‌توان بر بخش عمده‌ای از این تنگناها و محدودیتها غلبه نموده و زمینه‌های بهره‌برداری مطلوب را از منابع عظیم خدادادی فراهم ساخت.

با توجه به شرایط حاضر، حمایت از اشتغالهای کوچک و زودبازده در قالب تعاونیها و جهت توسعه روستاها می‌تواند یک حرکت بنیادی محسوب شده و تلاش در جهت رسیدن به اهداف ارزشمند دولت وقت که عبارت از عدالت گستری، مهرورزی، کمک به بندگان خدا و پیشرفت و تعالی ارزشهای مادی و معنوی است مسلما بدون توجه به امر خطیر توسعه روستاها نتیجه مورد نظر را به همراه نخواهد داشت.

تلاش تعاونی در جهت از بین بردن رقابت خودخواهانه و احیای رقابت سالم است. رقابتی که بر مبنای همکاری متقابل و تعاون استوار باشد. این وظیفه‌ای است که از طریق آموزش تعاونی صورت می‌پذیرد. با این فرض که خصائصی که لیبرالیزم اقتصادی بر می‌شمارد ذاتی نبوده و می‌توان آن را تغییر داد و نظمی نو و ارزشهای تازه آفرید، اما تنها از این طریق نمی‌توان انسانها را از رقابت تسخیر گریانه منصرف نمود و

رقابتی بر مبنای اصول تعاون بنیاد نهاد بلکه، راه حل اصلی جذب انسانهای بیشتر در شیوه تعاونی است که به آنان در درجه اول اجازه رقابت دهد. این همان مکانیسمی است که تعاون برای مهار خواسته‌های نامتناهی وعده می‌دهد. بر همین اساس، انعقاد

هدف تعاونی‌های تولید افزایش در آمد تولیدکنندگان و سازمانهای تولیدی است و هدف تعاونی‌های مصرف کاهش هزینه مصرف‌کنندگان.

تفاهمنامه با شرکت نوسازی صنایع ایران به منظور استانداردسازی، بهره‌وری و ارتقای کیفیت فعالیت تعاونیها، عارضه‌یابی و رفع مشکلات قابل تامل است و در همین رابطه و با همکاری معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج وزارت تعاون بر گزارى ۳۰ همایش استانی در ادارات کل تعاون استانها جهت توجیه و اجرایی شدن امور پیش‌بینی شده و در حال اجراست.

در هر کشوری ایجاد اشتغال جدید به منظور تقلیل مسائل مربوط به بیکاری یکی از هدف‌های مهم برنامه‌ریزی‌ها و توسعه اقتصادی می‌باشد. بخش تعاونی این امتیاز ویژه را داراست که به علت الگوی کاربری آن نیاز کمتری به امکانات در زمینه مکانیزاسیون و اتوماسیون دارد و در نتیجه فائق بودن نیروی کار انسانی بر سرمایه، برای تعداد معتناهی از افراد مشاغل مناسب ایجاد می‌نماید. این نکته نیز در خور توجه است که با محاسبات انجام شده برای هر شغل مستقیم ایجاد شده در بخش تعاونی یک یا چند شغل غیر مستقیم نیز در بخش‌های مکمل این فعالیت از قبیل صنایع غذایی، توزیع، خدمات حاشیه‌ای، اعتباری و بانکی و... به وجود می‌آید، ضمن آنکه سرمایه‌گذاری لازم برای ایجاد یک شغل در بخش تعاونی به مراتب کمتر از بخش‌های دیگر اقتصادی است.

با استفاده از روش‌های تعاونی و با

بهره‌گیری از ظرفیتهای بالفعل و نهفته اقتصادی در جامعه می‌توان ساختار اقتصادی، اجتماعی کشور را تحت تاثیر قرار داد و از آن طریق بار مالی و هزینه‌های دولتی را کاهش داده به رفع معضلات اقتصادی به ویژه در زمینه‌های توزیع مجدد درآمدها، تعدیل ثروت، ایجاد اشتغال و فرصتهای شغلی جدید، توسعه آموزش عمومی و حرفه‌ای و تخصصی، مقررات‌زدایی، گسترش اقتصاد روستایی، ارائه خدمات عمومی، افزایش پس‌انداز عمومی و افزایش سرمایه‌گذاری، کنترل و کاهش تورم، گسترش مشارکت‌های عمومی و فرهنگ تعاونی و... نائل آمد و بهره برد.

بر همین اساس، توسعه صنایع کوچک و متوسط و فعالیت افراد مورد اشاره در قالب تشکلهای تعاونی توصیه می‌شود تا به منظور دستیابی هر چه بیشتر به توسعه صنعتی، ضمن حفظ برتریهای صنایع مادر و کارخانه‌ای بزرگ صنعتی و برای تحقق توسعه هماهنگ در کشور به گونه زنجیرهای تولیدات صنایع به یکدیگر مرتبط شده به طوری که کارگاه‌های کوچک نیز سهمی از تولید، اشتغال و ارزش افزوده صنعتی را در اقتصاد کشور داشته باشند.

از آنجایی که هدف تعاونی‌های تولید افزایش درآمد تولیدکنندگان و سازمانهای تولیدی است و هدف تعاونی‌های مصرف کاهش هزینه مصرف‌کنندگان می‌باشد، چنانچه اهداف یاد شده در سیاست‌گذاریهای اقتصادی منظور گردد، تبعات آن منشاء ایجاد سرمایه‌گذاری عظیمی خواهد شد که خود تعاونگران از آن بهره بیشتر خواهند برد، به گونه‌ای که صدها واحد تولیدی درآمدزا و کار آفرین از نتایج آن خواهد بود. بنابراین ایجاد، اتصال و ارتباط واحدهای کوچک و متوسط ذیل بخش تعاون، برای تحقق اشتغال کامل، رهایی از اقتصاد نفتی و افزایش صادرات غیر نفتی توصیه می‌شود.